

اعتراضهای خشونتبار ونیزویلا مروری در عمق اقتصادی مسأله



از چندین هفته بدینسو ونیزویلا بوسیله اعتراض های خشونتبار نیرو های اپوزیسیون دچار نا آرامی و خشونت گردیده است. درین میان در هیچ یک از کشور های امریکای لاتین معضله های اجتماعی تا این حدود رفع نگردیده و در هیچ کدام یک وضع اقتصادی- اجتماعی توده های وسیع مردم بهبود نیافته است که گواه به بدیل آن در ونیزویلا باشد. فیصدی فقر در درازای ۱۵ سال اخیر ۱۹% کاهش یافته است که پیروزی درخور ستایش است. و با آنهم- هرگاهی بطور ممکن خواسته های اپوزیسیون در برابر حکومت مادورو وارد هم باشد، یعنی اینکه نمیخواهد جنگ اقتصادی را دامن زند- این کشور با پارلمهای حاد اقتصادی دست و گریبان است که رهبری آن بدون شک صلاحیت حل آن را دارد و میتواند کشور رابه شاهراه صلح رهنمون گردد. و اما نگرشی در ژرفای مسأله نشاندهنده آنست که این امر کار ساده یی نبوده و ریشه های آن در گذشته دور سراغ میشود:

اعتراضها در ونیزویلا متوجه ضدیت با وضع دشوار اقتصادی کشور نیز میباشد. علتهای مشهود در رابطه با احتکار اسعار و سوپر مارکیت های دارای قفسه های خالی حتی تا سال ۲۰۰۲ به عقب میگردد. بعد از کودتای سرکوب شده و سبوتاژ نفت حکومت ونیزویلا به علت فرار سرمایه

از کشور مجبور بود تا تجارت اسعار را تحت کنترل خود قرار دهد. اواخر ماه مارچ امسال زمینه های نرخ تبادل تا حدودی آزاد گذاشته شد. نا آرامیهای کنونی ونیزویلا در گام نخست ریشه هایش را در فروپاشی اپوزیسیون دارد. اندکی پیش کاندید دو مرتبه یی انتخابات ریاست جمهوری هنریکو کاپریلیس رادونسکی هنوز هم در جایگاه شخصیت رهبری کننده بلا تردید اتحاد اپوزیسیونی "میز وحدت دموکراتیک" (۱) به حساب می آمد. در نهایت زمانی که اپوزیسیون در انتخابات ارگانهای محلی در ماه دسامبر ۲۰۱۳ حدود کمتر از ۱۰% آرا را در مقایسه با حزب چاویزستی حاکم بدست آورد، همان بود که جناح راست اپوزیسیون این نقش را در معرض سوال قرار داد. یکی از تکانه های این کودتای درون اپوزیسیون همانا دشواری وضع اقتصادی کشور نیز بود. با وجوئیکه بیکاری، عدم مساوات و فقر کمتر از هر زمان دیگر است ولی تورم پولی شدید ۵۶% در سال ۲۰۱۳ و کمبود پایدار برخی معینی از مواد خوراکی موجب نگرانی بسیاری از ونیزویلائی ها گردیده است.

اپوزیسیون ادعا دارد که رئیس جمهور نیکولاس مادورو اقتصاد کشور را به کساد رهنمون گردیده است. حکومت در مقابل استدلال مینماید که کار فرمایان اپوزیسیونی آگاهانه به بحران دارای روحیه سیاسی متوسل شده اند. ولی این دیدگاه اندک ترین مساعدتی را برای درک اقتصاد ونیزویلا نمی نماید.

ریشه های واقعی پرابلم اقتصادی کنونی ونیزویلا برمیگردد به سال ۲۰۰۲ آنهم زمانیکه اپوزیسیون با انجام کودتای یش در ماه اپریل و اعتصاب در عرصه صنایع نفت در ماه دسامبر به ناکامی مواجه شد.

هرج و مرج سیاسی سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ باعث بروز فرار شدید سرمایه گردید که پیامد آن نزول بیحد نرخ واحد پولی ونیزویلا بنام بولیوار گردید. برای جلوگیری ازین نزول، بانک مرکزی با عرضه و فروش ذخایر دالر امریکایی در بازار اسعار مداخله نمود. از آنجاییکه بانک مرکزی بطور برق آسا ذخایر خود را از دست داد حکومت در ماه مارچ ۲۰۰۳ کمیسیونی را برای کنترل اسعار (کمیسیون مدیریت اسعار) ایجاد کرد. از آنزمان به بعد میتوان در ونیزویلا دالر امریکایی را فقط در برابر نرخ تبادلی رسمی تعیین شده به بولیوار تبادل کرد.

در همه حال کارفرمایان و همچنان اشخاص منفرد بایست واجد یک سلسله شرایطی باشند و یا علی را ارائه دارند و مطابق به نرخ رسمی دالر امریکایی را بدست آورند. این دلایل بگونه مثال میتواند سفر به خارج از کشور، کمک مالی به اقارب در خارج کشور و یا هم توريد کالاها از خارج کشور باشد.

ایجاد ستاد کنترل بر اسعار دو فرایند با اهمیتی را با خود داشت: از یکجانب منجر به جلوگیری از فروپاشی واحد پولی گردیده و توانست تورم پولی را تا حدودی سد گردد. تا آنزمانی که نرخ تبادلی معین از جانب دولت تغییر نیافته بود پرداختها برای اموال وارداتی - که بوسیله دالر امریکایی پرداخت میشد - ثابت باقی ماندند. از جانب دیگر نظر به دسترسی محدود به اسعار زمینه بازار سیاه برای دالر امریکایی مساعد گردید. درین بازار بخصوص آنانی فعالیت داشتند که فاقد شرایط برای خرید رسمی دالر بودند.

این سیستم طی چندین سالی به موجودیت خود ادامه داد؛ این سیستم فرار سرمایه و تورم را محدود ساخت. میان سال های ۲۰۰۴ الی ۲۰۰۸ اقتصاد ونیزویلا مبین رشد اوسط سالانه ۱۰٪ بود. واما تورم پولی با شاخص ۲۰٪ هنوز هم شدت نسبی داشت. در هر صورت تورم پولی کمتر از نیم نرخ تورم پولی بود که در ظرف ده سال پیش از ریاست جمهوری هوگو چاویز خیلی عادی تلقی میشد: در آنزمان تورم پولی بطور اوسط سالانه رقم ۴۹٪ را گواهی میداد.

وضعیت در اواخر سال ۲۰۰۸ هنگامی که بحران جهانی اقتصادی بالای قیمت نفت آغاز به تأثیر گذاری کرد دگرگونه شد. قیمت نفت در درازای ششماه از ۱۳۰ دالر امریکایی به ۴۰ دالر امریکایی فی بیرل تنزیل یافت. بدین ترتیب ونیزویلا غیر مستقیم زیر نفوذ بحران مالی رفت. در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ اقتصاد این کشور بالترتیب رکود اقتصادی ۳۲ و ۱۵ در صد را گواه بود. بنابر تقلیل درآمد نفت به یکباره گی مقدار کمتر دالر امریکایی برای تعمیم نرخ تبادلی ثابت، در اختیار حکومت قرار گرفت.

این امر بالای سیستم پولی کشور تأثیرات جبران ناپذیری داشت. ذخایر دالری ونیزویلا صرفاً در میان نیمه دوم سال ۲۰۰۸ و نیمه اول سال ۲۰۰۹ به رقم ۱۳ میلیارد دالر امریکایی کاهش یافت. حکومت دچار سراسیمگی و دریافت راه حل شد - بخصوص بخاطر آنکه کاهش ذخایر دالری برای تبادله رسمی به معنی کاهش واردات بود که این خود بازهم گواه بر بروز مشکل در زمینه کالا های مصرفی مختلفه میگردد. مزید بر این با کاهش واردات و موجودیت تقاضای ثابت تورم پولی بالا گرفت.

در ماه جولای ۲۰۱۰ حکومت این سیستم را با سیستم انعطاف پذیرانه (سیستم معامله با اوراق بهادار و اسعار خارجی) تکامل بخشید. بجای آنکه ذخایر خودی دالر را برای تبادله رسمی پولی مورد استفاده قرار دهد، حکومت دالر امریکایی را در بازار بین المللی اوراق بها دار خریداری کرد که همراه با اخذ قرضه ها بود. حکومت این اوراق بها دار را برای تبادله در برابر بولیوار پخش کرد.

تجار وارد کننده و سایر دست اندر کاران این عرصه میتوانند این اوراق بهادار را با زهم به فروش برسانند تا دالر امریکایی بدست آورند. در نتیجه آن دولت ونیزویلا همه روزه بیشتر از پیش مقروض گردید. مقروضیت دولتی میان سال های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ به ۴۷٪ افزایش یافت یعنی از ۸۱ میلیارد به ۱۱۹ میلیارد دالر امریکایی.

مقروضیت را دولت پذیرا شد تا وارد نمودن کالاهای با اهمیت مصرفی را مساعد سازد و بدین ترتیب تورم پولی در کنترل در آورد. و اما این هدف نتوانست به واقعیت مبدل گردد. تورم پولی میان سالهای ۲۰۰۹ و ۲۰۱۱ با رقم اوسط سالانه ۲۶٪ بسیار بلند بود. یکی از علل ممکن آنست که برنامه های اجتماعی زمینه های مصرفی لایه های اجتماعی را که درآمد پایین داشتند شتابان ساخت که در نتیجه آن تقاضا شدت گرفته و عرضه کالا های وارداتی و یا تولیدات داخلی فروکش کرد.

در سال انتخاباتی ۲۰۱۲ حکومت بگونه یی متوجه آن بود تا عرضه و تقاضا را موزون نگهدارد. این امر بمعنی رشد صادرات و کاهش تورم پولی الی ۲۰٪ بود. اندکی بعد از انتخاب مجدد چاويز حکومت تصمیم اتخاذ کرد تا فروش دالر را شدیداً محدود سازد. از سیستم تبادلوی (سیستم معامله با اوراق بهادار و اسعار خارجی) که بوسیله آن مقروضیت دولتی افزایش یافت احتراز شد. از طریق سیستم (کمیسیون مدیریت اسعار) که استفاده از ذخایر دالری را تنظیم میکند مقدار کمتر دالر امریکایی بدسترس گذاشته شد. پیوند دادن این تدابیر دو گانه بطور عاجل درین امر واضح شد که نرخ بازار سیاه دالر امریکایی خیلیها سریع افزایش یافت. همه آنانیکه مصروف واردات هستند و یا میخواستند پول شانرا به دالر امریکایی که ارزش معتبر دارد سرمایه گذاری کنند از همین بازار سیاه مستفید شدند.

حکومت به این معضله در گام نخست اهمیت بزرگ قائل نشد. یورگی جوردانی وزیر پلان به این مفهوم ابراز نظر کرده بود که برای موصوف ناراحت کننده نیست هر گاهی بورژوازی ونیزویلا همه پس انداز های شانرا در بازار سیاه دالر از دست بدهند. ولی سرانجام رشد بازار سیاه اثرگزاری مشهود دو گانه را بالای اقتصاد ونیزویلا از خود بجا گذاشت. با کاهش ذخایر دالری (کمیسیون مدیریت اسعار) برای واردات، وارد کننده ها بطور روزافزون مجبور بودند تا پرداخت کالا های وارداتی را بوسیله دالر های بازار سیاه تمویل کنند. بناءً آنان هنگام فروش کالا ها قیمت هایی را مطالبه میکردند که مطابقت با نرخ دالر های خریده شده از بازار سیاه بود- نه در مطابقت با نرخ رسمی تعیین شده.

به هر پیمانہ یی که اتباع ونیزویلا پس انداز بولیواری شانرا در بازار سیاه مبادله نمودند به همان پیمانہ از ارزش بولیوار کاسته شد.

ارزش دالر در بازار سیاه در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۲ ثابت و نرخ تبادله بین ۸ الی ۹ بولیوار فی دالر بود. در اخیر سال ۲۰۱۲ هنگامی که (سیستم معامله با اوراق بهادار و اسعار خارجی) از میان برداشته شد همان بود که طور آنی نرخ بولیوار کاهش یافت چنانچه بولیوار طی ششماه در فاصله میان اکتوبر ۲۰۱۲ و مارچ ۲۰۱۳ نیمی از ارزش خود را از دست داد و از ۱۲ به ۲۴ بولیوار در مقابل یک دالر امریکایی سقوط کرد. در مقابل نرخ تبادله رسمی در برابر یک دالر ۶۵ بولیوار بود.

هنگامی که چاوز روز ۵ مارچ ۲۰۱۳ به جاودانه گی پیوست این امر را دست اندرکاران نزدیک به اپوزیسیون که صاحب نفوذ اقتصادی بودند غنیمت شمردند تا جانشین وی مادورو را پیش از انتخابات جدید بوسیله سبوتاژ اقتصادی متضرر سازند. آنان مواد را غذایی در ستاک ها نگهداری کردند تا ازینطریق طور تصنعی قلت مواد غذایی را دامن زنند. از آنجاییکه میتوان در بازار سیاه به مقایسه نرخ رسمی در برابر هر دالر چهار برابر پول بیشتر بدست آورد، قابل درک است که کوشش میشد تا دالر را به نرخ رسمی خریداری کرد و آنرا در بازار سیاه با منفعت اندوزی قابل ملاحظه به فروش رسانید.

در اکثر حالات تجار حتی کالا هایی را که با دالر امریکایی دارای نرخ رسمی وارد نموده اند مستقیماً به کشور های همسایه صادر میکنند. زیرا در آنجا برخلاف ونیزویلا کنترل بالای قیمت ها وجود ندارد و میتوان کالا ها را به مراتب قیمت تر به فروش رسانید. جلوگیری از قاچاق تقریباً نا ممکن شده است. زیرا به هر پیمانہ یی که تفاوت میان نرخ تبادلی رسمی و نرخ بازار سیاه بزرگ باشد میتوان به همان پیمانہ منفعت بزرگی را از طریق قاچاق و یا سایر اشکال سوء استفاده از اسعار بدست آورد. بناءً کنترل سرحدات کشور غیر مؤثر است چرا که در موجودیت منفعت بزرگ پرداخت مقادیر بیحد رشوه متصور است. فرایند این تجارت تبادله و قاچاق همانا مشکل تدارکاتی کالا های اولیة مورد نیاز میباشد و درین راستا یکبار دیگر بالا گرفتن تورم پولی که در سال گذشته بالغ به ۵۶% گردید. فیصدی قلت این مواد که از جانب بانک مرکزی رقم زده میشود از ۲۰% در نیمه اول سال ۲۰۱۳ به ۲۸% در آغاز سال ۲۰۱۴ افزایش یافته است.

البته که حکومت مادورو آگاهی کامل ازین معضله داشت ولی برای عملکرد متقابل مدت زمان مدیدی غفلت کرد. بعد از انتظار درازی حکومت بتاريخ ۲۴ مارچ تدبیری را به تصویب رسانید که حل بطی معضله را نوید امکان میدهد. این تدبیر در بر گیرنده نرخ تبادلی نازل برای کالا های وارداتی با اهمیت و مورد نیاز است. اما در رابطه با سایر موارد ونیزویلا ییها اجازه دارند تا

در یک پروسه قانونی بوليوار را آزادانه در برابر دالر امريكايي تبادلہ نمايند. طى هفته نخست نرخ تبادلۀ اندك ليبراليزه شده به ۵۰ بوليوار در برابر يك دالر امريكايي ميرسد. با وجوديكه اين ارزش حدود هشت مرتبه بالا تر از نرخ تبادلۀ رسمى يعنى ۶'۵ بوليوار در برابر يك دالر امريكايي قرار دارد قابل توجه استكه در بازار سياه بيشتتر از رقم ياد شده در برابر هر دالر امريكايي تبادلہ صورت ميپذيرد.

منبع : پورتال خبرى امريكاي لاتين

- (1) MUD
- (2) SITME